

## هدف تروریسم دولتی از کشتار فرزندان خلق ترکمن، سرکوب این خلق بود!

### در بزرگداشت نام و یاد فدائیان خلق توماج، مختوم، واحدی و جرحانی

۳۹ سال از آن جنایت سراسر پیام می‌گذرد، خون ریخته شده‌ی فرزندان ترکمن صحرا همچنان می‌جوشد و لکه‌ی ننگ، کماکان بر پیشانی آمران و عاملان‌اش باقی است. در کشتار دهشتناک ۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۸، حاکم شرع منصوب خمینی-خلخالی خونریز، جان چهار رهبر و سازمان‌گر خیزش خلق



ترکمن، شیرمحمد درخشنده توماج، عبدالحکیم مختوم، طواق محمد واحدی و حسین جرحانی را بر پایه‌ی تصمیم و اختیار حکومتی گرفت تا برای نظام اسلامی رسوایی ابدی رقم زند. چند روز بعد از این قتل بود که پیکر سوراخ سوراخ شده آنان زیر پلی در ۱۲۵ کیلومتری بجنورد یافت شد تا خبر از ژرفای کینه‌ی ژرف اجتماعی، ملی و مذهبی جمهوری اسلامی نسبت به اراده‌ی توده‌های به‌پاخاسته‌ی خلق ترکمن بدهد.

این جنایت دولتی، پرونده‌ای است هنوز باز، که اگر هنگام وقوع و یا اندکی پس از آن، حکومت بسیار کوشید تا بسته بماند و یا دست کم به سکوت و ابهام بگذرد، ولی هرگز نتوانست شانه از زیر بار آن خالی کند.

واگویی‌های خونریزان آن جنایت، بسیار زود پرده از راز این قتل برداشت. خلخالی شش سال بعد از این جنایت آشکارا گفت: افتخار می‌کند که رهبران خلق ترکمن را "قاطعانه اعدام کرده است و حکم قتل برگرفته از رهبر را به اجرا گذاشته است!" تازه‌ترین پرده‌برداری از آن کشتار نیز، از سوی نخستین فرمانده سپاه پاسداران - جواد منصوری- صورت گرفته است. او اخیراً طی گفتگویی اعتراف کرد که پیش از کشتار رهبران خلق ترکمن، خلخالی به وی گفته بود که به منطقه می‌رود تا هر چهار بازداشتی را بلافاصله اعدام کند ولی مصلحت فعلاً در این است که سپاه پاسداران، کشته شدن آنها را عملیات جنگی بنمایاند!

این تصمیم حکومتی که بر آن نامی جز تروریسم دولتی نتوان نهاد، در پی توافق صلحی صورت گرفت که رهبری جنبش مردمی در ترکمن صحرا توانسته بود آن را به وساطت اهل خرد بر سرکوبگران حکومتی تحمیل کند. توافقی که، تصریح داشت، اقدام مسلحانه حکومتی و واکنش متقابل خلقی در برابر آن، پایان یابد و جا به گفتگو و یافتن راه حل سیاسی برای اختلافات دهد. اما این قتل‌های رذیلانه و پس از آن هم راه‌اندازی جنگ و بگیر و ببندها از سوی عمال حکومتی نشان داد که جمهوری اسلامی، سر کمترین سازشی با دو خواسته‌ی مرکزی این خلق را ندارد. دو مطالبه‌ای که، یکی از آنها تاکید بر اعاده‌ی حق دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا از زمین‌های مصادره‌ای دوره‌ی شاه و با مشارکت و اراده‌ی خود آنان داشت و دیگری اینکه، کودک ترکمن آموزش را به زبان مادری خود آغاز کند.

مگر این مردم، برای چیزی غیر از این دو خواسته‌ی دادخواهانه به صحنه آمده بودند؟ آیا زمان نشان نداد که ابراز نگرانی سنی مذهب‌های کشور نسبت به سیادت انحصارطلبانه‌ی حکومت شیعی و اعتراض آنها علیه قانون اساسی مبتنی بر ولایت فقیه، هوشمندانه بوده است و برحق؟ کجای این جرم بوده اگر مردم ترکمن خواست تا با نیروی سکولار و مدافع برابرحقوقی ملی و عدالت اجتماعی - فدائیان خلق چونان پشتیبان قاطع خواسته‌هایش پیوند بخورد؟ اینکه خلق ترکمن و جنبش فدائیان خلق یکدیگر را بگونه‌ی منطقی یافته بودند، چه جای شگفتی داشته است؟ این، فقط بهانه‌جویی سرکوبگران حکومتی بود برای قلع و قمع عدالت‌خواهی یک خلق.

اینکه در آن هنگامه‌ی خیزش برای حق و تقابل حکومتی‌های اقتدارگرا و انحصارطلب در برابر این مردم به پا خاسته بر سر حقوق خویش، کدام طرف ناسنجیده‌تر عمل کرد و شتابناک‌تر برآشت، در تبیین اصل آن رودررویی تاریخی جنبه‌ای کاملاً فرعی داشت و ذره‌ای هم نمی‌تواند از اصل واقعیت و حقیقت موضوع بکاهد. اگر یک طرف این کشاکش، حقوق طبیعی خود را مطالبه داشت، طرف دیگر نشسته بر مسند قدرت، نه فقط تن به این دو مطالبه نمی‌داد، که در برابرش شمشیر هم می‌کشید و جنگ راه می‌انداخت. این، بر حق برخاست، و آن در برابرش شمشیر را از روست و جنگ راه انداخت. این جمهوری اسلامی تازه مستقر بود که به آن خیزش توده‌ای انگ تجزیه‌طلبی زد و آن را لشکرکشی کمونیستی علیه انقلاب القا کرد. این دروغی بزرگ برای توجیه سرکوب اراده‌ی دهقان، ماهیگیر و زحمتکش ترکمن بود و برای اینکه ندای خواست برابرحقوقی ترکمن را در گلوئی دختر و پسر و هر ترکمنی بشکنند و شعله‌ی برکشیده از درون این فریاد برای داد و عدالت را به خاموشی کشند.

قتل توماج و سه هم‌یار او، قتل جنبش عدالت‌خواهانه و فرهنگی - سیاسی ترکمن صحرای بخیزش درآمده بود. پیامی مرگبار به مردمی که دادخواه و در پی آزادی و دموکراسی بودند. یک تروریسم دولتی عریان که می‌خواست صدای عدالت‌خواهی و فریاد مطالبات فرهنگی-سیاسی در ترکمن‌صحرا را خفه کند. این کشتار، تصمیمی بود حکومتی با درونمایه‌ی نگاه ایدئولوژیک و برنامه‌ای معین. هر خطای رهبری این جنبش دادخواهانه‌ی مردمی و دمکراتیک در هنگامه‌ی آن رودرویی را، فقط و فقط در یک چنین چارچوبی می‌باید به بررسی نشست. هر خوانشی غیر این به سود سرکوبگران آن جنبش است.

گروه کار ملی - قومی حزب چپ ایران (فدائیان خلق)، در ۳۹مین سالگرد آن جنایت شنیع، آن کشتاری که نهایت پلیدی را به نمایش گذاشت، بار دیگر نسبت به این جنایت ابراز بی‌زاری می‌کند. ما از سوی حزب خویش، در بزرگداشت آن چهار جان شیفته گرامی و همه جانباختگان توسط تروریسم دولتی در ترکمن‌صحرا، و نیز به حرمت هر رهرو "آرزوهای آمان جان" و آن "دختران دشت"، بر این هستیم و می‌مانیم که: جنبش خلق ترکمن در فردای انقلاب، اصالت و حقانیت اجتماعی و ملی خود را داشت. هم از اینروست که امروز آن را، آتشی می‌دانیم مشتعل ولو زیر خاکستر سکوت پس از سرکوب. دست ما برای همراهی‌ها و همکاری‌ها جهت زنده نگهداشتن آرمان‌های آن خیزش مردمی دمکراتیک و دادخواهانه اصیل، گشوده و گشاده سوی هر هم‌میهن ترکمنی است که بر راز ماندگار «جنبش خلق ترکمن» پسا انقلاب پابرجا مانده و اندیشه‌ی برپایی و برسازي اصالت‌های آن را در سر می‌پرورد.

گروه کار ملی - قومی حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

بهمن ماه ۱۳۹۷ برابر با فوریه ۲۰۱۹